

۸ آبان ۱۳۸۶

۲۰ اکتبر ۲۰۰۷

شریح آوای زنان مربوط به انجمن آوای روز میباشد

انجمن آوای روز طنین صدا و هویت واقعی زن ایرانی

با ما در ارتباط باشید

سرتیر مهمترین اخبار هفته

دوستانی که در این شماره ما را یاری کرده اند

- دریا ستایش- مقاله ر شعر
- سونیا رادفر - خبر و تحقیق
- سیاوش کریم زاده ویرایش گر
- ارشیا پارسایی-متن

پرونده قضایی وی در حال بررسی است. هفت تن از فعالین زن به زودی محاکمه می شوند

طی دو ماه آینده، هفت تن از مدافعان حقوق برابر به دادگاه می روند. جلسه رسیدگی به پرونده های نوشین احمدی خراسانی، الناز انصاری، زارا امجدیان، سارا لقمانی، نیلوفر گلکار، مریم میرزا که مربوط به حادثه ۱۲ اسفند سال گذشته بود و نیز پرونده احترام شادفر که به خاطر جمع آوری امضاء در خردادماه سال جاری بازداشت شده بود تعیین وقت شد.

پرونده ۱۱ تن از فعالان جنبش زنان تعیین وقت شد جلسه رسیدگی به پرونده های جلوه جواهری، سوسن طهماسبی، سارا ایمانیان و رضوان مقدم که مربوط به حادثه ۱۳ اسفند سال گذشته بود تعیین وقت شد.

قرار بازداشت روناک صفار زاده برای یک ماه تمدید شد

پس از ۱۸ روز بی خبری از وضعیت روناک صفارزاده، عضو فعال کمپین در سنج، در تاریخ ۶ آبان خبر صدور قرار بازداشت یک ماه روناک به خانواده وی اعلام شد.



A
Bright
horizon

محبوبه مقدم دانشجوی مطالعات زنان دانشگاه علامه طباطبائی و از فعالان زن، با گذشت بیش از یک ماه، آزاد شد.

مزگان مقدم خواهر محبوبه با اعلام خبر فوق افزود: وی با قرار کفالت از زندان اوین آزاد شده است.

محبوبه مقدم شهریور ماه به دلیلی نامعلوم در کرمانشاه بازداشت شده بود و دادخواه وکیل وی در تمام طول مدت بازداشت، موفق به دیدار وی نگشته بود.

مأموران نیروی انتظامی حاضر در تجمع میدان هفت تیر تیرنه شدند!

دادسرای کارکنان دولت، مأموران نیروی انتظامی متهم به ضرب و شتم تجمع کنندگان روز ۲۲ خرداد سال ۸۵ در میدان هفت تیر را از اتهامات انتسابی تبرئه کرد.

تخریب آثار باستانی کردستان و تبدیل آنها به پایگاه بسیج

نیروهای سپاه پاسداران، در تاریخ ۱۲ مهرماه ۱۳۸۶ با هدف تأسیس یک پایگاه بسیج در روستای قره کند (از توابع بوکان) دست به تخریب تپه تاریخی این روستا که از سوی سازمان میراث فرهنگی به عنوان اثر ملی ثبت شده است، زده اند. شایان ذکر است که پیشتر نیز، نیروهای حکومتی با هدف نابود ساختن آثار باستانی کردستان، قلعه تاریخی سردار عزیزخان مکرری را تخریب کرده و به پایگاه بسیج تبدیل ساخته اند.

کم سن ترین زندانی مازندران یازده ساله است

جرم این نوجوان قتل است که به صورت اتفاقی در حین بازی و درگیری های بچه گانه چاقویی که برای لایه زدن توپهای پلاستیکی در دست داشت را بر سینه مقتول زد و اکنون در کانون بسر می برد و

به قلم دریا ستایش

۵۰ درصد کاهش میابد. در حالی که خوب است بدانیم که بیشترین درصد فقیران کشور را زنان بی پناه تشکیل میدهند. مساله نگران کننده دیگر در مورد زنان دست و پا زدن زنان بین کار بیرون خانه و فرزند است. ایجاد سازگاری بین زندگی خانوادگی و زندگی شغلی تلاش طاقت فرسایی است که زنان هر روز هزینه میکنند. در عین حال اعمال خشونت نسبت به زنان با اشکال حاد در جامعه و خانواده بیداد میکند. بازتاب این وضعیت منفعل شدن خود زنان در برابر این شرایط و خالی کردن صحنه است. سوال این است که چرا زنان حذف میشوند و چرا به حذف خود تن میدهند؟ در پاسخ به این سوال من این نقطه نظر خانم سیمون دوبووار را تایید میکنم که: "داستان زن نفس زن بودن اوست. اگر او را حذف میکنند، اگر او خود را حذف میکند، اگر دچار بحران هویت است و خود را باور ندارد اگر (جنس دوم) تلقی میشود همه و همه از همین واقعیت پایه ای نشأت میگیرد که او را همواره قبل از هر چیز زن دیده اند و نه انسان! و طبعاً در چنین دیدگاهی زن این طور معنی میشود: فعل پذیر و لاجرم مدافع!..."

اگر به هر میزان این اندیشه را باور کنیم باید کمر همت بسته و عزم مان را جزم کنیم که بتوانیم اول اندیشه خودمان و سپس بتوانیم در بیرون و پیرامون خود و جامعه این اندیشه را بزداييم و آن هم به ثمر نمي رسد مگر اینکه هزینه آنرا با حضور فعال خود در همه صحنه ها بپردازیم پس بیاييد در این مسیر دستانمان را به هم فشرده تر کرده و به حرکت در آییم ...

هنوز زنان در سراسر جهان صرفاً به دلیل زن بودن از تبعیضها و ستمهای بسیاری رنج میبرند. این رنج در جوهر خود برای همه ما یکسان است. اما بدون تردید ما زنان گامهای بلندی به جلو برداشته ایم. از همین رو فکر میکنم به جاست که به همه زنانی که در طول تاریخ برای برابری زن و مرد مبارزه کرده اند با تمام قلیمان ادای احترام کنیم. آنها برآستی باعث شدند که ما امروز از صفر شروع نکنیم. امروزه مسائل عمده ای مانند صلح، دموکراسی و توسعه اقتصادی و اجتماعی بامساله زن گره خورده است و همه این مسائل شایان تحقیق و بررسی است. اما از خوانندگان محترم اجازه میخواهم سرمقاله این هفته را به مساله نابرابری اختصاص دهیم. بهتر است با یاد آوری چند واقعیت واضح درباره نابرابریها و ستمی که زنان از آن رنج میبرند شروع کنم. واقعیت این است که مدل پذیرفته شده قدرت در میان دولتمردان مدلی است مردانه! رئیس يك مرد است! در این دیدگاه اندیشه طرفداری از زنان تفکری بسیار کوتاه بینانه محسوب میشود!

اما در زمینه مدیریت در بخش اقتصادی وضع از این هم بدتر است. متأسفانه يك سقف جنسیتی سراسر کشورمان را فرا گرفته است. هر چند که میدانیم درصد بالایی از اقتصاد کشور دسترنج زنان زحمت کش هم وطنمان است اما هزینه بیکاری را زنان بیشتر از مردان می پردازند. متوسط حقوق زنان در ازای کار مساوی کمتر از ۷۵ درصد حقوق مردان است و در مواردی این رقم به

انجمن آوای روز طنین صدا و هویت واقعی زن ایرانی

با ما در ارتباط باشید



www.avayerooz.blogfa

avaye_rooze86@yahoo.com

شروع از صفحه ۳

... می گویم دخترم راهت را ادامه بده. می گویم اگر هم این کارها برای مشکل ساز است چاره ای نیست و انجام نده. چون من در این ۱۳ روز خیلی سختی و عذاب کشیدم، کارهایش را دوست دارم اما نگرانشم. البته من می دانم که او نمی تواند از عقیده ی خودش بگذرد و من هم عقیده ی او را قبول دارم. او همیشه می گفت نه ظالم باشید و نه اجازه دهید کسی بر شما ظلم کند. من هم الان این را می گویم، روناک ظالم نبوده و نباید کسی هم بر او ظلم کند. قصد او فقط انسانیت بوده است و بس.

در کل از روناک راضی هستید؟
کاملاً! روناک دختر خیلی با معرفتی است و کاملاً از او راضی هستم و خیلی با درک و شعور بود و حرفهایی می زد که آدم های ۷۰ ساله هم بلد نبودند.

روناك صفا زاده، فعال زنان و عضو كمپين يك ميليون امضا در سندهج، ۱۳ روز است در بازداشت نيروهاي امنيتي به سر مي برد. "روناك" كلمه اي كردي است به معنای روشني و نور و شهناز احمدي مادر اين فعال ۲۱ ساله در گفتگو با روز مي گوید: "زندگي ما بدون روناك مان تاريك و خفه است". همزمان ۶۰۰ نفر از مدافعان حقوق برابر با امضاي بيانيه اي خواستار آزادي فوري "روناك صفا زاده" شدند. گفتگوي خانم صفازاده در پي مي آيد.

آخري خبر از وضعيت روناك چيست؟

متاسفانه هيچ خبري از او نداريم. امروز به ستاد خبري رفته و از آنها درخواست كردم اجازه دهند دخترم را ملاقات كنم. گفتند اين امكان وجود ندارد. بعد گفتم حداقل بگذاريد تلفني با او حرف بزنم. به من گفتند به منزل برگرد حتما تماس مي گيرد اما ۱۳ روز است كه او تماسي با ما نداشته است. وقتي هم مي گوييم من نگران دخترم هستم فقط مي گويند به خانه برگرد حال دخترت خوب است. من واقعا نمي دانم حال دخترم خوب است يا نه. نگرانم.

نمي گويند چرا اجازه ي ملاقات با او را نمي دهند؟

چيزي به ما نمي گويند. مي ترسم بلايي سرش آمده باشد، بزرگترين ترس من همين است. اگر كسي مي خواهد كمكي به ما بكند خواهش مي كنم الان تا دير نشده كمك كند. روناك به كمك نياز دارد. تا زماني كه او زنده است كمكمان كنيد. ما دقيقا نمي دانيم روناك در چه حالي است، به ما نمي گويند فقط مي گويند حالش خوب است. هر روز به دادگاه مي روم، به دادگستري و حتي به ستاد خبري همه مي گويند ما نمي دانيم او كجاست. رفتن به اين سه مكان شده كار هر روز من.

اين مدت كه روناك پيشتان نيست سخت بوده؟

با هزار بدبختي و مكافات گذشته بر ما، بچه هايم دارند ديوانه مي شوند، در طول زندگيمان سختي زياد كشيده ايم اما هيچ كدام به اندازه ي زندان رفتن روناك مرگبار و غير قابل تحمل نبوده. مادرم، به كلي فلج شده است. برادرها و خواهرهاي روناك دارند ديوانه مي شوند. هيچ كاري از ما بر نمي آيد. زندگي ما بدون او تاريك و خفه شده است. ما روناك را به خدا مي سپاريم.

شما مي دانيد روناك چه هدفهاي داشت و براي چه چيزي تلاش مي كرد؟

براي حقوق زنان كار مي كرد. خدا شاهد است اگر روزي ۵۰۰ تومان پول به او مي داديم آنرا خرج مردم فقير مي كرد. به بچه هاي روستايي كمك مي كرد. براي اينكه به بچه هاي پشت كنكوري درس بدهد به روستاي حسن آباد مي رفت و به بچه هاي آنجا را يگان درس مي داد. شبها هم كه به خانه بر مي گشت طاقت غذا خوردن نداشت. هر وقت و ناوقتي مشغول كمك بود به آدمهاي محتاج. مي گفت آنها پول ندارند معلم خصوصي بگيرند مي رفت بدون چشم داشت به آنها درس مي داد. خواب و خوراكش شده بود كمك به مردم. براي زنان بي سرپرست كار مي كرد. خيلي حسرت مي خورد براي دختران بي بصاعت كه تعدادشان هم كم نيست اينجا. مي گفتم دخترم همه اين مشكلات را تو نمي تواني درست كني. اما اين حرفها به گوشش نمي رفت و به كارهايش ادامه مي داد.

به عنوان يك مادر چه احساسهاي داريد از اينكه دخترتان الان زندان است؟

من مادرم، نمي خواهم بچه ام يك دقيقه ناراحت باشد.

دخترم روح بزرگي دارد اما جسمش ضعيف است؛ به خاطر اين همه زحمتي كه مي كشد. شايد خودش خوشحال باشد و من مي دانم الان تنها ناراحتيش دوري از خانواده است. من واقعا خيلي خيلي ناراحتم اما شايد خودش راضي باشد از اينكه به خاطر هدفش به زندان افتاده است.

پس هم ناراحتيد و هم معتقديد كه دخترتان كار بدني انجام نداده است؟

من بسيار احساس غرور مي كنم چون مي دانم دخترم گناهكار نيست، چون كاملا به او و كارهايش اعتماد دارم. براي من جاي افتخار است فقط نگرانم بلايي سرش بياد و مشكلي برايش درست شود. روناك هميشه به ديگران كمك مي كرد. حالا كه او زندان است خواهش مي كنم همه كمك كنند براي آزادي او. ما نامه اي نوشتيم و از كارها و كمكهاي كه روناك در گذشته انجام داده گفتم و امروز نامه را تحويل ستاد خبري داديم تا آنها هم بدانند كه دختر من هيچ كار غير قانوني انجام نداده است اهدافي انساني داشته است. و گفتم ببينيد كه كارهاي روناك به غير از خير چه ضرري براي مردم داشته است؟

نامه را از شما گرفتند؟

بله نامه را تحويلشان داديم. گفتند شايد اين نامه به پرونه ي او كمك كند.

با توجه به همه اين مشكلات و ناراحتي هايي كه در اين چند روزه داشته ايد، اگر دخترتان آزاد شود براي فعاليتهايش مانعي ايجاد نمي كنيد؟

ما مانعي براي كارهاي او ايجاد نمي كنيم چون تمام كارهايش در دفاع از حقوق زنان و در راستاي انسانيت بوده است. هميشه مي گفت: انسان بايد انسان باشد. به ديگران كمك كند و ظلم به كسي نكند و ظلم را از كسي هم قبول نكند. با وجود اينكه مي دانم ناراحت مي شود اگر اين را بگويم، اما چند روز قبل از بازداشتش، برايش كفش خريدم تا كفشهاي كهني اش را درآورد، اما بعد از چند روز ديدم كفش نو را به دختر نيازمندي داده است. كمك به ديگران اصلي ترين خصوصيت دخترم است، من چطور مقابل اين كارهايش را بگيرم. من مواضع و اهداف انساني دخترم را كاملا قبول دارم و به آن احترام مي گذارم.

تأثير فعاليتهاي روناك بر اعضاي خانواده چطور بود؟

واقعا كارهاي او تأثير زيادي بر روي من و خواهرهايش گذاشته است. ما حرفهاي او را قبول داشتيم و من خودم از حرفهايش و كارهايش لذت مي بردم. از نظر من او هيچ كار غير قانوني انجام نداده است و اين را دوستان او مي دانند. او چند سال است كه افتخاري براي يك تشكّل دفاع از حقوق زنان كار مي كرد و مي گفت: اين وظيفه انساني من است كه بدون چشمداشت به ديگران كمك كنم.

چه درخواستي داريد از مدافعان حقوق بشر؟

خواهش مي كنم هر چه از دستتان مي آيد براي روناك و امسال وي دريغ نكنيد. من حتي از دولت هم درخواست مي كنم كه به آزادي وي كمك كند چون او غير از كارهاي انساني و كمك به ديگران كار ديگري نكرده است. او خودش هميشه مي گفت وظيفه انساني من اين است كه از حقوق زنان و ساير محرومين دفاع كنم. اگر روناك آزاد شد، در لحظه ي اول چه چيزي به او مي گوييد؟ بقيه در صفحه قبلي...

خبرنامه دانشجویان دانشگاه بوعلي همدان روایتی دیگر از کشته شدن یا خودکشی زهرا بني عامري انتشار داده است.

به نوشته این خبرنامه "صبح روز دوشنبه ۲۳ مهر ۸۶ خبري مانند بمب در میان خبرنگاران همداني پیچید؛ یکی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان که توسط امر به معروف دستگیر شده بود خود را حلق آویز کرد. خبر در ابتدا با تکذیب کامل از سوی سپاه به عنوان مسئول نیروهای امر به معروف روبرو شد و مقامات سپاه پاسداران استان همدان به کل آنرا شایعه ای بر علیه این نیرو تفسیر کردند اما در مدت کوتاهی با فشار فعالان مطبوعاتی و دانشجویی دانشگاههای استان همدان و ضد و نقیض گویی های مسئولان استان پرده از واقعیت برداشته شد، و مسئولان سپاه اعلام کردند که در روز جمعه خانم زهرا و چند نفر دیگر به جرم روابط نا مشروع توسط نیروهای امر به معروف دستگیر شده است". براساس همین گزارش "این سخنان از سوی نیروهای منتسب به سپاه بیشتر به نوعی اعتراف می ماند زیرا در درجه اول نیروهای انتظامی به عنوان مسئول نگاهداری این مجرمین دارای نیروهای شیفی در روزهای تعطیل بوده و براساس شهادت شاهدان در صبح روز جمعه (روز دستگیری مقتول) در ناحیه چرم ساری و تنها پارک ناحیه (پارک مردم - رو به روی دانشکده علوم پایه) نه تنها در کلانتری حضور داشته اند بلکه به صورت گشتی در حال گشت زنی بوده اند و دادسرا و دادگاهها نیز دارای قاضی کشیک می باشند که ادعای سپاه در مورد تعطیلات را عجیب جلوه می دهد؛ اما خبر در مورد نحوه خود کشی نیز بسیار جالب است که یک مجرم دستگیر شده آنقدر آزادی داشته که پارچه مذکور را از محل نصبش جدا کرده، خود را حق آویز کرده اما تا پیش از مرگش کسی متوجه نشود".

به گزارش خبرنگار خبرنامه بوعلي سینا، مقامات قضایی استان همدان با تاکید بر محل تردید بودن عملکرد فرا قانونی نیروهای امر به معروف در بازداشت ۴۸ ساعته مقتول، عنوان کرده اند؛ خودکشی زهرا ب قطع نیست، و احتمال مرگ توسط سم یا قبل از حلق آویز شدن محتمل است. یک منبع آگاه در دادگستری همدان به خبرنگار خبرنامه بوعلي سینا گفته است: براساس شواهد موجود احتمال خودکشی بودن این مرگ مورد تردید است و با توجه به قطعی شدن در میان بودن نام یکی از کارکنان صدا و سیما در این ماجرا و دستگیری این خانم به همراه فرد مذکور، به علاوه عملکرد فرا قانونی نیروهای بسیجی امر به معروف، احتمالاً نمی غیر از خودکشی زهرا قوت بیشتری دارند". این خبرنامه تاکید کرده که "شواهد امر تا کنون دلیل بر کشته شدن تعمدي زهرا در پایگاه متعلق به نیروهای امر به معروف نبوده است".

گفتنی است حمید که براساس شنیده ها کارمند صدا و سیما است با زهرا نامزد بوده اند اما از آنجا که به صورت رسمی ازدواج نکرده بودند، جرمشان رابطه نامشروع محسوب شده است. به دنبال اعلام خبر مرگ این پزشک جوان، خانواده وی به دلیل وجود ابهامات بسیار در این پرونده و اظهارات ضد و نقیض، با تنظیم شکایتی خواستار پیگیری موضوع از

طریق مراجع قضایی شدند. خانواده زهرا گفته اند نیم ساعت قبل از مرگ با وی تلفنی صحبت کرده و هیچ علایمی که حکایت از اقدام جنون آمیز وی باشد، دریافت نکرده اند. پدر زهرا در گفت و گو با روزنامه ای اعتماد می گوید: "دخترم سال گذشته از دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و در درمانگاه روستایی در حومه رزن همدان مشغول به کار بود و من از علت دقیق دستگیری زهرا بی اطلاع هستم و فقط به ما گفته اند ظاهراً او همراه پسری مشاهده شده و آن پسر همچنان در بازداشت است ولی طبق آنچه خودم می دانم او در زمان دستگیری قصد داشته سوار بر یک خودروی ژانپس به محل کارش برود". وی می افزاید: "طبق آنچه که به ما اطلاع داده اند دخترم ساعت ۵/۱۰ یا ۱۱ صبح جمعه ۲۰ مهرماه بازداشت شد، اما این موضوع را در آن هنگام به ما اطلاع ندادند و سرانجام صبح روز بعد زهرا با برادرش تماس گرفته و ماجرا را اطلاع داده بود. من بلافاصله به سمت همدان به راه افتادم و هنگامی که ۱۰ شب به آنجا رسیدم از من خواستند به دادگاه بروم و در نهایت پس از طی مراحل اداری به من گفتند دخترم خودکشی کرده است".

پدر زهرا ادامه می دهد: "به من گفته اند دخترم با پارچه خودش را حلق آویز کرده است و زمانی که پرسیدم وسایل خودکشی چطور در آن مکان وجود دارد به من گفتند آنجا پر از صندلی و پارچه های تبلیغاتی است، به هر حال من موضوع را از طریق مراجع قضایی پیگیری می کنم".

در همین ارتباط، برادر زهرا نیز می گوید: "خواهرم پس از پایان تحصیلاتش تصمیم گرفت در منطقه یی محروم به طبابت بپردازد و از آنجا که پدرم آزاده است زهرا نیازی به گذراندن طرح نداشت و به صورت داوطلبانه مدت ۷ ماه در روستایی در ۲۰۰ کیلومتری رزن و روستای دیگری در ۱۴۰ کیلومتری همدان به معالجه بیماران می پرداخت". وی می افزاید: "خواهرم به هیچ وجه مشکل خانوادگی نداشت و به لحاظ روحی نیز وضعیت اش کاملاً عادی بود. من چند ساعت قبل از حادثه سه بار با او تلفنی صحبت کردم و حتی نیم ساعت قبل از حادثه با هم حرف زدیم و در آخرین تماس به وی گفتم پدرم در راه همدان است و به زودی به آنجا می رسد و مشکل را حل می کند. زهرا هنگام صحبت با من کاملاً طبیعی بود و به نظر نمی رسید مشکل روحی خاصی داشته باشد و نمی دانم چطور دقایقی بعد جان باخت. به هر حال طبق نظریه پزشکی قانونی ما خواستار پیگیری قضایی موضوع هستیم".

یک سال پیش در همدان این بار اولی نیست که شهر همدان شاهد چنین حادثه ای می شود؛ دوم مهر ۸۵ نیز یک مرد چهل و سه ساله در استان همدان، یک پسر و دختر جوان را به خاطر همراه نداشتن مجوز محرمیت و به بهانه امر به معروف و نهی از منکر بازداشت کرد و در جریان انتقال آنها به یک پاسگاه، با شلیک گلوله پسر ۲۵ ساله به نام حسن اهل همدان بقیه در صفحه بعدی...

بقیه از صفحه قبلی..

را به قتل رساند و نامزد ۱۹ ساله او به نام افسانه را به شدت مجروح کرد.

مأموران انتظامی همدان تأیید کردند که هنگام شناسایی متهم به قتل وقتی "تصاویری که مأموران آگاهی از فرد مظنون و خودروی تهیه کرده بودند پس از ارائه به افسانه، وی را دچار ترس و اضطراب شدید کرد، به طوری که وی به مأموران اطمینان داد که تصاویر متعلق به ضارب وی و قاتل نامزدش است". پلیس همدان در نهایت اعلام کرد که قاتل مردی ۴۳ ساله است که در روستای کهنوش از توابع خرمدره معدن گرانبه دارد اما تاکنون هویت او را فاش نکرده اند و تنها اعلام شده که نام او "ن" است. یک سال پیش در دانشگاه آبان سال گذشته نیز توحید غفارزاده دانشجوی دانشگاه آزاد شاهرود توسط یک بسیجی به جرم همراه بودن با نامزدش به ضرب چاقو کشته شد.

با این حال تاکنون هویت ضارب اعلام نشده و مقامات قضائی درخصوص نتیجه این پرونده هیچ پاسخی نداده اند؛ در عوض تعدادی از دانشجویانی که در انتشار این خبر نقش داشتند به انجای گوناگون مورد آزار قرار گرفته اند.

بزرگترین پرونده قضائی بسیجیان در اقدام به قتل به بهانه نهی از منکر به قتل های محفی کرمان شهرت یافته که در آن گروهی از اعضای پایگاه علی اصغر مولای کرمان تعدادی زن و مرد را در طی چند سال ربودند و به قتل رساندند.

با این حال کلیه متهمان بسیجی این پرونده پس از بارها صدور حکم اعدام و نقض آن در حال حاضر آزاد شده اند. اینک جنازه زهرا به خانواده وی تحویل داده شده و براساس شنیده های موجود حمید همچنان در بازداشت به سر می برد؛ حال سؤال این است که این پرونده به کجا می انجامد؟

گلچین بزرگان



دشوارترین قدم، همان قدم اول است.

* جریان هوایی که شمعی را خاموش نمی کند برای خاموش کردن یک زندگی کفایت می کند

* زندگی سرشار از اشتباه، از عمری که صرف انجام هیچ کاری نشود، نه تنها مفیدتر بلکه سرافراز کننده تر است.

* گوش کن بین چی میگه، نه اینکه کی میگه.

* اگه میخوای پیام عشق رو بشنوی، قلبش باید خودت هم ارسالش کنی

* ثروتمند کسی نیست که بیشترین ها را دارد، بلکه کسی است که به کمترین ها نیاز دارد

همه می خواهند روی قله کوه زندگی کنند، اما تمام شادی ها وقتی رخ میدهند که در حال بالا رفتن از کوه هستیم.

زنان و دختران آزاده هم وطن

بودن شك تـك تـك ما نقش و مسـولیتـی در راستای تحقـق آرمان زیبای آزادی بر عهده داریم. به خلاقیتها و توانائیهای لایزال انسانی که در شما نهفته است یقین کنید و ایمان داشته باشید که هیچ کس نمیتواند مانع آزادی زنی بشود که قبل از هر کس خود ش اراده و انتخاب کرده است که آزاد زندگی کند. آزاد از تمام قید و بندهایی که همه ما آنها را خوب میشناسیم. ما در این مسیر تنها نیستیم. ما همه با هم با غلبه بر د نیای ناتوانی پشتوانه هم هستیم. اتحاد و یکپارچگی رمز پیروزی ماست.

گاهي اوقات در ميابم كه بدون اين آسمان بي پايان اين دنياي
كوچك خانه من نيست
مكاني اسرار آميز آميخته با مرگ و زندگي
ميدانم روزي به آنجا خواهم رفت
زيبايي نادیده را من در خواب مي بينم
ميدانم كه بهشت در انتظارم است
اما احساس مي كنم اينجا به انتظارم نشسته
در اين زندگي زميني و بر فراز من است
مكاني بهشتي تنها اندكي فروفرستاده شده از آسمان
مكاني بهشتي كه در آنجا حضور خداوند با عشقش نگاهدار
من است
مكاني بهشتي !!!
آن هنگام كه آسمانم رو به تيرگي رود
به مخفيگاه خود پناه مي برم
آن هنگام كه قلبها به سردي مي گرايند و ميميرند
آن هنگام كه درد هم ميميرد
دست لطيفي آن بالاست
ميدانم كه در خلوت خود نيازمند آن هستم
او درون مرا حس ميكند
آرزويم دستيابي به بهشت نيست چرا كه قلبم ليريز از عشق
اوست

**دوستان گرامي براي هر چه فعال تر كردن جنبش زنان و همياري
در اين ميسر خواهان نظرات و پيشنهادات شما هستيم با ما در
ارتباط باشيد.**

روشي نو ... به قلم ارشيا پارسايي

اگه هر كدوم از ما به درون خودمون مراجعه كنيم مطمئنا نياز به تغيير و دگرگونه شدن رو حس مي كنيم. پس كسي منكر نياز به نو شدن و تغيير در انسان نيست. با اين مقدمه سنوال بعدي اينه كه راستي چطور ميشه تغيير كرد؟ راههاي رسيدن به يك زندگي متفاوت چيه؟ خيلي ها به اين سنوال پاسخ دادن. اصلا اين سنوال اصلي خيلي از روانشناسان و فيلسوفان بوده و هست. شايد هر انديشمندي راههاي متفاوتي براي رسيدن به اين خواسته پيشنهاده بكنه. اما در بين تمام اين روشها، شيوه هايي هم هستن كه به دليل اصالت و محتوايي كه دارن تقريبا ميشه گفت كه بين تمام راه حل هاي پيشنهادي، مشترك هستن. مثلا انتخاب و دنبال كردن هدف در زندگي، از جمله اين راههاست. يه بار مهمترين هدف زندگي خودتون رو پيدا كنيد. بعد اون رو براي خودتون روي يك صفحه كاغذ بنويسيد. بعد در ادامه بنويسيد كه اگر به اون هدف دست پيدا كنيد زندگيتون چقدر جالب ميشه؟ تلاش كنيد همين موضوع رو با جزئيات بنويسيد. فكر كنم نفس روي كاغذ آوردن چنين مضموني به اندازه كافي در شما شور و هيجان رسيدن به اون هدف رو ايجاد بكنه. حالا تلاش كنيد تا عملکرد خودتون رو بنويسيد. بنويسيد كه براي تحقق اون هدف به چه مراحلي نياز داريد. موانع رو هم بنويسيد و تلاش كنيد براي هر مانعي راه حلي در بياريد. اصلا از موانع ترسيد. هيچ مانعي اصالت نداره، اونچه كه اصالت داره اراده ژرفي هست كه در تك تك انسانها وجود داره و ميتونه هر مانعي رو كنار بزنه. حالا اون قلم و كاغذ رو كنار بگذاريد و بدون معطلي اولين گام رو برداريد. شك نكنيد كه شما شايستگي رسيدن به اون هدف و برآورده شدن تك تك آرزوهاتون رو داريد. طبعاً هر چقدر سقف هدفي كه انتخاب كرديم بالاتر و بالاتر باشه براي تحققش بايد تلاش بيشتري كرد. اگه هدف مشترك تمام ايرانها خصوصا ما دختران ايراني برقراري آزادي و دموكراسي در ايران و استقرار حاكميتي بدون تبعيض است، اگه اقتدارگران سالهاست كه براي تحقق همين هدف مانع تراشي مي كنن و سد راه بر آورده شدن چنين آرزويي شدن، پس مطابق اونچه كه روي كاغذ نوشتيم بايد بيشتري بجنگيم و باز هم بيشتري بجنگيم! بند آخر اون دستور العمل روهيچوقت فراموش نكنيد. ما شايستگي تحقق آرزوهامون رو داريم. حاكميتي بدون تبعيض در ايران حق مسلم ماست.